

سید محمود طالقانی

زندگی و شیوه قرآنی

ابوالفضل خورشید

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

سروش

تهران ۱۳۹۲

شماره ترتیب انتشار: ۱۵۶۶

سرشناسه: خوش‌منش، ابوالفضل، ۱۳۴۸-
 عنوان و نام پدیدآورنده: سید محمود طالقانی: زندگی و شیوه قرآنی / ابوالفضل خوش‌منش؛
 مشخصات نشر: تهران: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۳۱۷ ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۰۴۴۷-۳
 قیمت: ۱۴۰,۰۰۰ ریال
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۹۱-۳۰۷.
 موضوع: طالقانی، سید محمود، ۱۳۵۸-۱۳۸۹.
 موضوع: طالقانی، سید محمود، ۱۳۵۸-۱۳۸۹ -- سرگذشتنامه
 رده‌بندی کنگره: ۹ خ ۲۶ ط ۱۵۶۸ / DSR
 رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۵۳۹۸



انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، ساختمان سروش
 مرکز پخش: ۸-۸۸۳۴۵۰۶۳ و ۵-۶۶۹۵۴۸۷۰
www.soroushpublishingco.ir

عنوان: سید محمود طالقانی زندگی و شیوه قرآنی
 نویسنده: ابوالفضل خوش‌منش / ویراستار: مریم عابدی
 صفحه‌آرا: علی آهنگر / طراح جلد: عبدالرضا طیبیان
 چاپ اول: ۱۳۹۲
 قیمت: ۱۴۰,۰۰۰ ریال
 این کتاب در پانصد نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.
 همه حقوق محفوظ است.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۰۴۴۷-۳

فهرست

۱	مقدمه
۷	بخش اول: سید محمود طالقانی
۹	فصل ۱- دور زمان
۱۱	روستازدائی دانشمند
۱۴	طالقانی و عصر او
۱۶	الف. اوضاع سیاسی
۱۶	ایران ویران
۲۱	امواج الحاد
۲۷	خیزش‌های بیداری و مطالبات سیاسی
۳۱	کشکش‌ها
۳۶	ب. اوضاع اقتصادی و صنعتی
۳۷	عصر جدید
۴۱	پ. اوضاع فکری و فرهنگی
۴۱	خلاف ایدئولوژی
۴۹	حوزه و دانشگاه
۵۰	ادبیات بیداری
۵۲	مواصلات و ارتباطات
۵۳	دلزدگی و مطالبات
۵۴	ایران و جهان اسلام
۶۳	فصل ۲- آخوند
۶۳	شخصیت علمی و معنوی طالقانی
۶۳	الف. زی‌طلبگی
۶۵	ب. شخصیت قرآنی
۶۷	پ. شخصیت حوزوی

۷۰.....	شان استادی.....
۷۲.....	ت. نویسنده‌ای صاحب‌نظر و متعهد.....
۷۳.....	آثار و تألیفات.....
۷۵.....	شیوه قلم.....
۷۹.....	طالقانی و جوانان.....
۸۴.....	منبر و محراب.....
۸۴.....	مسجد هدایت.....
۸۵.....	راسته فرهنگی.....
۹۰.....	حضور حاضر.....
۹۲.....	مناره‌ای در کویر.....
۹۳.....	رواق دانشگاه.....
۹۶.....	تربون بزرگ.....
۹۷.....	ایمان به مسجد.....
۹۸.....	حسینیۀ ارشاد.....
۹۹.....	جهاد و مبارزه.....
۱۰۰.....	حبس و تبعید.....
۱۰۲.....	حضور در شهرهای ایران.....
۱۰۳.....	حضور در کشورهای جهان.....
۱۰۸.....	بیان و گفتمان.....
۱۱۰.....	نگاه او به جنبه بین‌المللی نهضت اسلامی.....
۱۱۱.....	ناصرحی امین.....
۱۱۳.....	شرح صدر و مدارا با مردم.....
۱۱۶.....	با خلق عالم.....
۱۲۰.....	ارتباط با گروه‌های ملی و سیاسی.....
۱۲۴.....	طلیعه انقلاب.....
۱۲۵.....	سخن از توبه جمعی و عفو عمومی.....
۱۲۷.....	نژاد و کیش و ملیت.....
۱۳۰.....	هزینه‌ها.....

بخش دوم: پیرقو هدایت قرآنی.....	۱۳۳
---------------------------------	-----

فصل ۱- با قرآن و عترت.....	۱۳۵
----------------------------	-----

تعامل با قرآن.....	۱۴۰
--------------------	-----

۱. دیدگاه او در جمع قرآن.....	۱۴۰
-------------------------------	-----

۲. توجه به بهره پیوسته قرآن.....	۱۴۱
----------------------------------	-----

۳. طالقانی و جریان قرآن.....	۱۴۵
------------------------------	-----

۴. نگرش جامع و نامحدود.....	۱۴۶
-----------------------------	-----

«بلاغت» قرآن.....	۱۴۸
-------------------	-----

۱. بلاغت مصطلح.....	۱۵۰
---------------------	-----

۲. بلاغت فنی.....	۱۵۲
-------------------	-----

۳. بلاغت و جامعیت.....	۱۵۴
------------------------	-----

۴. بلاغت و جمع احتمالات.....	۱۵۶
------------------------------	-----

تفسیر و مقدمات آن در نظر طالقانی.....	۱۵۹
---------------------------------------	-----

طالقانی و عترت.....	۱۶۶
---------------------	-----

اهتمام به نهج البلاغه.....	۱۶۸
----------------------------	-----

فصل ۲- تفسیر پرتوی از قرآن: شکل و شیوه.....	۱۷۳
---	-----

صورت ضاهر.....	۱۷۳
----------------	-----

شیوه تقیم.....	۱۷۴
----------------	-----

واژه گزینی ممتاز.....	۱۷۸
-----------------------	-----

منابع صعنیر.....	۱۸۰
------------------	-----

مطالعه در زمینه های گوناگون.....	۱۸۲
----------------------------------	-----

فصل ۳- تفسیر پرتوی از قرآن: جهت و محتوا.....	۱۸۷
--	-----

سرزندگی.....	۱۸۷
--------------	-----

انتباه به موضوع فطرت و طبیعت.....	۱۸۹
-----------------------------------	-----

نگاه به دایمی.....	۱۹۵
--------------------	-----

انتباه به جلوه های هنری در آیات.....	۱۹۹
--------------------------------------	-----

انگشت به مباحث علوم قرآنی.....	۲۰۱
--------------------------------	-----

عدم تعهد برابر مشهورات و مکررات.....	۲۰۶
--------------------------------------	-----

۲۰۹	 بیان و برداشت عصری
۲۱۱	 داستان هیوط و گاوگونگی و مسخ سرگشتگی
۲۱۸	 نگرش وقایع و رویدادها در پرتو آیات
۲۱۸	 التفات به جانب تفسیر علمی
۲۲۱	 اطلاعات تاریخی
۲۲۵	 عنصر تحلیل
۲۳۰	 بهره‌گیری از کنجینه ادب
۲۳۵	 مقابله با التقاط
۲۳۶	 تلخ و شیرین در سخن طالقانی
۲۳۸	 نظر او به آثار و آرای مصریان
۲۴۰	 مقایسه‌ای میان آیت‌الله طالقانی و در مفسر هم‌عصر او
۲۴۰	 ۱. تسمیه تفسیر
۲۴۱	 ۲. عنصر زبان
۲۴۲	 ۳. توجه به نظم‌آهنگ قرآن کریم
۲۴۳	 ۴. فداکاری و مجاهدت برای بازگشت به قرآن
۲۴۳	 ۵. التفات به جانب تفسیر موضوعی
۲۴۴	 سرخط‌های پرتوی از قرآن برای اصلاح دینی و انسجام اسلامی
۲۴۷	 ۱. تنبّه به مسئله اقتصاد و معاش
۲۴۸	 ۲. کنگره جهانی حج
۲۵۴	 ۳. آیات قصاص
۲۵۶	 ۴. التفات به نیمه دیگر اجتماع
۲۵۷	 ۵. موضع او برابر اسرائیلیات
۲۵۸	 ۶. مقابله با اخبار اسرائیلی
۲۶۳	 ۷. ایستادگی برابر صهیونیسم جهانی
۲۶۶	 ۸. موضع در برابر استعمار بین‌الملل

۲۷۱	 فصل ۴- تفسیر پرتوی از قرآن: نقد و نظر
۲۷۱	 تفسیر پرتوی از قرآن از نگاه دیگران
۲۷۳	 پاره‌ای نقدها
۲۷۳	 ۱. موضوع اختلاف قرائات
۲۷۶	 ۲. نحوه برخورد با برخی داستان‌ها

۲۸۰	۳. متخذ روایات
۲۸۳	۴. نحوه نقل اشعار
۲۸۵	۵. پاره‌ای از دوازی‌ها
۲۸۶	۶. برخی از ریشه‌یابی‌ها
۲۸۸	ختم سخن
۲۹۱	کتابنامه
۲۹۱	الف. منابع فارسی
۳۰۴	نشریات
۳۰۵	ب. منابع لاتین
۳۰۷	وبگاه

○ مقدمه

نام آیت الله سید محمود طالقانی در کارنامه فکری و فرهنگی ایران معاصر نامی آشناست. درباره او آثار متعددی نگاشته شده است و همچنان نیز جای نگارش دارد. یکی از موضوعاتی که می توان ذیل شخصیت وی بدان پرداخت، تحلیلی درباره حیات قرآنی و روش تفسیری او، و نیز بررسی زندگی او به عنوان دعوتگر قرآنی و نیز تأثیر این دعوت در امر تربیت نسل های فرهیخته و جوان، در مقطعی مهم و حساس از تاریخ ایران و جهان است. اثر حاضر می کوشد گامی در این وادی باشد.

سید محمود طالقانی مدرس و مفسر کلام الله مجید در طول دوره ای قریب به چهار دهه و نیز زمان معاصر در نقاط مختلف ایران و برخی کشورهای جهان است. حضور او در صحنه ها، نقاط مختلف و مقاطع زمانی گوناگون، مشهود و مؤثر است. از طالقان تا قم، از جنوب و مرکز تهران تا تبعیدگاه های برازجان در جنوب غرب ایران؛ تا تبعیدگاه زابل و بافت کرمان در جنوب شرق ایران. از زندان های اوین و کمیته مشترک ضد خراب کاری تا زندان عمومی و در میان بزهکاران اجتماعی؛ از «کانون اسلام» تا «مسجد هدایت» و تشکل «نهضت آزادی»؛ از مشارکت در تعلیم و تربیت دانش آموزان و تأسیس مدرسه ملی و اسلامی و نشر و نگارش برای کودکان تا مشارکت در تأسیس «شرکت سهامی انتشار» و نشر کتاب برای بزرگسالان و مخاطبان فرهیخته؛ از حوزه علمی قم، تهران تا حوزه نجف؛ و از الازهر و قاهره و بیت المقدس و مکه و مدینه تا اردن و تونس و مراکش و کراچی؛ از حضور در خیزش ملی شدن صنعت نفت و قیام خرداد ۱۳۴۲ تا همراهی و همگامی با نهضت و پیروزی انقلاب اسلامی؛ از ریاست شورای انقلاب و حضور در مجلس خبرگان قانون اساسی تا احیای نماز جمعه و القای دروس تفسیر قرآن در تلویزیون و سخنرانی در مدرسه فیضیه قم و سر آرامگاه مصدق در احمدآباد آبیک و

جاهای دیگر برای اقشار مختلف مردم.

همراهان و مخاطبان او نیز در این صحنه‌ها و مقاطع، مختلف و متنوع‌اند: پیر و جوان، عامی و درس‌خوانده، کاسب و کشاورز، روستایی و شهری، دانشجو و معلم، نویسنده و تکنوکرات و سیاست‌ورز فرنگ‌دیده که اغلبشان او را به‌عنوان فقیه آگاه، مجاهد نستوه، ابوذر زمان و مالک اشتر دوران شناخته و پذیرفته‌اند. چنین است که باید نقش و شخصیت طالقانی به‌عنوان معلم قرآن در همه این صحنه‌ها دیده شود. بررسی نقش تفسیری وی، هم مکتوبات و هم کوشش‌های عملی و شفاهی‌اش را دربرمی‌گیرد. او تبلیغ را تنها در گفتن یا نوشتن نمی‌دید، بلکه آن را مجموعه‌ای از حیات با همه صحنه‌ها و حاضران آن می‌دانست و معتقد بود که باید «با قرآن در صحنه» بود. کتاب حاضر، هم از زندگی طالقانی می‌گوید و هم از شیوه قرآنی او. مراد از زندگی طالقانی، صحنه‌های مختلف زندگی وی به‌عنوان معلم قرآن و مبارزی ناصح و امین، و مراد از شیوه قرآنی، شیوه او در تبلیغ و تبیین قرآن است از جوانی در صحنه‌های مختلف اجتماع در منبر و محراب مساجد مختلف و نیز روزگار حبس و تبعید و نگارش مکتوبات و القای خطبه‌ها و خطابه‌های قرآنی برای عموم مردم و چند جلسه‌ای نیز بحث‌های قرآنی در تلویزیون.

طالقانی، دعوتگر بازگشت به قرآن و منادی نظام اندیشگی و فرهنگ تمدنی این کتاب است. او می‌کوشد هنگام گفتن و نوشتن درباره قرآن، با نگاهی عصری، اجتماعی و تمدنی، عموم مردم ایران و جهان را مد نظر داشته باشد و آنها را مخاطب خود بداند. از فحوای سخن او برمی‌آید که هر مسلمانی باید خود را مخاطب قرآن کریم بیابد؛ گویی آیات وحی بر خود او نازل شده است. خود وی آیات قرآن را تروتازه (غضاً طریاً) و خود را مخاطب نخست قرآن می‌یابد و می‌کوشد قرآن را همان‌گونه انعکاس دهد.

این کتاب دو بخش دارد. بخش نخست درباره شخصیت طالقانی و شرایط زمان او و برخی از مکان‌هایی است که او در آنها حضور داشته است و بخش دوم از پرتوهای هدایت قرآنی در سیره و سلوک او می‌گوید. بخش نخست، خود شامل دو فصل است: فصلی از دور زمان و گردش روزگار و آنجا که دور به آیت‌الله طالقانی و نقش قرآنی‌اش می‌رسد، حکایت می‌کند و فصل دیگر، از طالقانی در عرصه دعوت و تبلیغ و مجرای که او از طریق آن با مردم زمان

خویش مرتبط شده است. سخن می‌گوید. بخش دوم کتاب نیز چهار فصل است: فصل اول از طالقانی و قرآن و عترت و دیدگاه‌های او درخصوص قرآن و شیوه تعامل با آن سخن می‌گوید. فصل دوم، طرح و شکل تفسیر پرتوی از قرآن و فصل سوم محتوای آن را بررسی می‌کند و درنهایت، فصل چهارم ملاحظات را متوجه برخی از قسمت‌های تفسیر می‌سازد.

اغلب موضوعات مهم تفسیر طالقانی ارتباطی زنده با زمان او داشته و به مثابه رودهایی‌اند که در بستر زمانی خاصی جاری شده‌اند. از این‌رو، بررسی آنها نگاهی به پیشینه موضوعات را می‌طلبد و این کاری است که این کتاب تا حدی انجام داده است.

نیمی از کتاب حاضر در ۱۳۸۹ مهیا شده بود که با قلم دقیق و زیبایی مؤلف و مترجم محترم، آقای جواد علی کسار، به عربی ترجمه و همراه مقدمه مفصل و سودمند ایشان در بیروت از سوی مرکز الحضارة الثنیه الفکر الاسلامی چاپ شد. عنوان ترجمه عربی، یعنی محمود الطالقانی، رجل الاحیاء القرآنی را نیز مرکز مزبور بر آن نهاد که شاید خالی از پیش‌داوری نبود. نگارنده ضمن تشکر از مرکز مزبور، امیدوار است که این امر، قدمی دیگر در راه معرفی شخصیت طالقانی به اندیشمندان جهان عرب باشد.

هم‌اکنون متن فارسی کتاب با تأخیر دوساله از انتشار متن عربی منتشر می‌شود؛ گفتنی است که حجم متن فارسی دو برابر متن عربی و فصل‌ها و مطالب مختلف دیگر به آن افزوده شده است.

در عنوان کتاب و اغلب مواضع آن از آیت‌الله طالقانی با نام سید محمود طالقانی یاد شده است — چنان‌که خود او از خطاب شدن با عناوینی همچون «حجت الاسلام» و «آیت‌الله» پرهیز داشت — ضمن ادای احترام به همه افراد مذکور در کتاب، القاب و عناوین آنان نیز تا حد امکان از کنار نامشان حذف، و طبق مرسوم مقالات و نوشته‌های علمی، به ذکر نام ساده آنان اکتفا شده است. نقل قول افراد و منابع نیز اغلب با اختصار و تلخیص، و گاه تصرف محدود است.

در مقطع پس از پیروزی انقلاب تاکنون، بر صحبت از سید محمود طالقانی و یادکردش اغلب سایه‌ای از کشش‌ها و گرایش‌های سیاسی افکنده شده است. نگارنده، این اثر را فارغ از

این گونه قضایا و با سنجهای قرآنی نگاشته و کوشیده است عنان سخن را از گرایش‌های گروهی و جناحی دور نگاه دارد. شاید یکی از عللی که باعث شده است نگارش درباره طالقانی، حاشیه‌های سیاسی و گروهی پیدا کند، این بوده که کارنامه علمی و قرآنی او به‌طور مفصل بررسی نشده است. طالقانی، عمرش را در راه سعادت و وحدت مردم ایران و فراتر از آن نهاد و سزاوار نیست کسی بخواهد نام او را دست‌مایه سخن گفتن به سود یا زیان کسی و بدتر از آن، تئوریه‌های جناحی و سیاسی قرار دهد؛ گذشته از آنکه اصلاً اندیشه و شخصیت طالقانی در جناح و گروه خاصی نمی‌گنجد. او شخصیتی بزرگ و اثرگذار بود، اما به هیچ گروهی تعهدی نداشت و از آنان رنگ و اثر نمی‌گرفت و چنان‌که در متن کتاب هم خواهد آمد، طالقانی در برابر گروهی که خود را «مجاهدین خلق» می‌شمردند، به‌صراحت موضع گرفت و از تشکل «نهضت آزادی» نیز پس از پیروزی انقلاب فاصله گرفت تا در ایفای نقش خود به‌عنوان رئیس شورای انقلاب و ملجأ مردم دچار محدودیت نشود.

این کتاب می‌کوشد تا از آفت شخص‌زدگی نیز دور بماند و در کنار ذکر خدمات و مجاهدت‌های طالقانی، نقد و نظر لازم را بر بکشد.

رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، در دیدار با برگزارکنندگان همایش یکصدمین زادروز طالقانی در نیمه اسفند ۱۳۸۹، طی سخنانی درباره ایشان گفتند:

«... آقای طالقانی اهل فکر نو بر محور دین و با تمرکز بیشتر بر روی قرآن و نهج‌البلاغه بود و یک بُعد مهم زندگی ایشان، بُعد مبارزه است.

آقای طالقانی اهل عمل بود؛ توی میدان بود و احساس درد می‌کرد. حقیقتاً این را ما که با ایشان معاصر بودیم — رفت و آمد می‌کردیم — می‌دیدیم، لذا تبعات مبارزه را هم قبول کرد و به زندان افتاد؛ خود ما هم [به] دیدن ایشان می‌رفتیم — گاهی از مشهد که من می‌آمدم، روزهای ملاقات می‌رفتم زندان قصر — از پشت میله‌ها صحبت می‌کردند؛ دائم روحیه می‌دادند.

من [در] دادگاه تجدیدنظر ایشان، توی دادگاه بودم. ما آمدیم به‌عنوان تماشاچی آنجا نشستیم. در وقت تنفس، من اول‌بار، آنجا آقای طالقانی را از نزدیک دیدم. از دور ایشان را می‌شناختیم و اسمش را شنیده بودیم، اما از نزدیک، من اول‌بار آنجا ایشان را دیدم. منشِ آقای

طالقانی توی این دادگاه، اصلاً روحیه بخش بود. ایشان توی آن دادگاه نشسته بود. یک عصا هم دستش گرفته بود با بی‌اعتنایی تمام. رئیس دادگاه اسم متهمین را می‌آورد که بلند شوند خودشان را معرفی کنند؛ ایشان نه بلند شد، نه خودش را معرفی کرد، همان طور نشسته بود. آن رئیس دادگاه هم یک سرلشکری بود. می‌دو بار سه بار تکرار کرد، ایشان هم بی‌اعتنا نشسته بود و به نظر شاید این را هم گفت: خب من را که می‌شناسید، من محمود طالقانی‌ام!

یک بُعد دیگر آقای طالقانی که به نظر من نباید فراموش بشود، صفای این مرد بود. به اندازه‌ای این آدم باصفا و روراست و در معاشرت‌ها صادق بود که انسان از این همه زلالی حیرت می‌کرد. آدم زلالی بود. هیچ در قیدوبند و ملاحظات نبود؛ نه ملاحظات آخوندی، نه ملاحظات روشنفکری. نه ملاحظات مبارزاتی، مطلقاً در این آدم وجود نداشت؛ صاف، روشن. هر وقت من می‌آمدم تهران، اوقاتی که ایشان آزاد بودند، می‌رفتم منزل ایشان. انسان وقتی می‌نشست پهلوی این مرد، واقعاً روحیه می‌گرفت؛ هم روحیه مبارزاتی، هم روحیه صفا و رفاقت و معنویت و اینها. اینها در این شخصیت‌های برجسته، خوب است بزرگ بشود. ماها — غالباً آدم‌ها — مبتلا هستیم به یک چیزهایی. این آدم، آدم صافی بود، روراست بود، بی‌شائبه و بی‌شیله‌پילה بود. نتیجه این بی‌شیله‌پילה بودن هم صراحتش بود؛ صراحت در بیان. همان خطبه‌ای که شما اشاره کردید [علیه مجاهدین خلق]، این خطبه را نمی‌شود عادی به حساب آورد. اینها [مجاهدین خلق] دائماً می‌گفتند: «پدر طالقانی»؛ اصلاً خودشان را فرزندان او معرفی می‌کردند، به عنوان «پدر» او را اسم می‌بردند. کیست که توی این رودربایستی گیر نکند؟! آن آدمی که توی این جور رودربایستی‌ها گیر نکند و برود آن جور قرص و محکم توی خطبه و موضع به آن صراحت و به آن شدت بگیرد، کیست؟ این جور آدمی را آدم واقعاً بگرد پیدا کند! مرحوم طالقانی این جوری بود. من بعد از همین خطبه ایشان تلفن کردم، گفتم: آقا من خواستم از شما تشکر کنم به خاطر این خطبه. گفت: بله، خیلی‌ها هم تلفن می‌کنند فحش می‌دهند به خاطر همین خطبه! این جوری بود دیگر. تحمل می‌کرد، یعنی آدمی بود با یک روحیه این جوری.

غرض، چقدر خوب است که آقای طالقانی معرفی می‌شود. این مناسبت صدسالگی هم خوب است. ان شاء الله که خدا کمکتان کند. این کار، کار خوبی است؛ منتها آقای طالقانی را با همه ابعاد معرفی کنید. صرف یک روشنفکر مذهبی نیست؛ همچنانی که صرف یک پیش‌نماز

مسجد هدایت نیست؛ همچنانی که صرف یک مبارز نیست؛ یعنی مجموعه این خصوصیات را از ایشان معرفی کنید...».

در ادامه، نگارنده قدردانی خود را به حضور استاد ارجمند، جناب دکتر محمدعلی لسانی فشارکی تقدیم می‌دارد که در این اثر نیز متواضعانه با نظر پاک خطاپوش خویش نگریست و نکات ارزنده‌ای را ارزانی این جانب داشت و نیز به حضور دو استاد ارجمند تاریخ، آقایان دکتر ابراهیم اصلانی و دکتر احمد بادکوبه که همچنان از ره لطف و کرم در این کتاب، به‌خصوص در بخش‌های تاریخی آن، نظر کردند و بنده را از نظریات خود بهره‌مند ساختند و نیز همسرم که یار شاطر بود در ایام نگارش این کتاب و دیگر مراحل زندگی. «جزاهم الله عن القرآن خیر الجزاء». «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ».

ابوالفضل خوش‌منش

تهران - ۶ دی ۱۳۹۰